

تاریخ مختصر سینمای ایران

ورود اولین دستگاه سینماتوگراف به ایران در سال ۱۲۷۹ هجری خورشیدی توسط مظفرالدین شاه سر آغازی برای سینمای ایران به حساب می آید، هر چند ساخت اولین سالن سینمای عمومی تا سال ۱۲۹۱ اتفاق نیفتاد. تا سال ۱۳۰۸ هیچ فیلم ایرانی ساخته نشد و اندک سینماهای تاسیس شده به نمایش فیلم های غربی که در مواردی زیر نویس فارسی داشتند می پرداختند. اولین فیلم بلند سینمایی ایران به نام "آبی و رابی" در سال ۱۳۰۸ توسط آوانس اوگانیانس، با فیلمبرداری خان بابا معتضدی ساخته شد.

در سال ۱۳۱۱ شمسی اولین فیلم ناطق ایرانی به نام "دختر لر" توسط "عبدالحسین سپنتا" در بمبئی ساخته شد. استقبالی که از این فیلم شد، مقدمات ساخت چند فیلم ایرانی دیگر را فراهم کرد. تغییر جو سیاسی کشور طی سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۷ و اعمال سانسور شدید و مواجهه با جنگ جهانی دوم فعالیت سینمای نوپای ایران را با رکود مواجه ساخت. هر چند نباید از نظر دور داشت که تا این دوره هنوز سینما در ایران جنبه عمومی نیافته بود و استفاده از معدود سینماهای موجود در تهران و شهرهای بزرگ، تقریباً مختص اشراف و اقشار خاصی از جامعه بود. از طرف دیگر در بین سازندگان فیلم نیز خط فکری خاصی وجود نداشت و به جز سپنتا که به دلیل ویژگی های فرهنگی وی عناصر ادبیات کهن ایران در ساخته های وی به چشم می خورد، در بقیه موارد فیلم های ساخته شده عمدتاً اقتباسی ناشیانه از فیلمهای خارجی بود.

در سالهای بعد از ۱۳۲۲ فعالیت های فیلمسازی به دلیل تأسیس چند شرکت سینمایی توسط تعدادی سرمایه گذار و همچنین عمومی تر شدن سینما در بین مردم، گسترش یافت. اما متأسفانه از آنجایی که در این گسترش توجه به درآمد و سود حاصل از سرمایه گذاری از یک طرف و وضعیت سیاسی جامعه از بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تحدید آزادیها، یعنی مهمترین عنصر توسعه فرهنگی، سینمای ایران عمدتاً با محصولاتی عوام پسند و بی محتوا مواجه شد و این عناصر جزو سنت رایج فیلم سازی در این دوره گردید. خوشبختانه در سالهای بعد با فعالیت فیلمسازیانی چون ساموئل خاچیکیان، هوشنگ کاووسی، فرخ غفاری، ابراهیم گلستان، مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی، فریدون رهنما و علی حاتمی جریان فرهنگی تازه ای در فیلمسازی ایران آغاز گشت، که تا حدودی جدا از سنت رایج عوام پسندانه در ایران اقدام می نمود.

همچنین تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۸ هجری خورشیدی فرصت مناسبی برای شکل گیری سینمای فرهنگی در ایران شد. همکاری یونسکو با این کانون به عنوان توزیع کننده فیلم های کودکان در ایران با اعزام نورالدین زرین کلک به بلژیک عملی گردید، تاثیر مهمی بر ارتقاء سطح فرهنگی کانون گذاشت. جریان فرهنگی شکل گرفته از سوی سینماگران نامبرده همراه با ایجاد کانون پرورش فکری و همچنین کاهش استقبال عمومی از عناصر سرگرم کننده ای چون خشونت، سکس، جاهل مسلکی در بین اقشار جوان و بخصوص قشر تحصیلکرده کشور عواملی بودند دست در دست هم جریان نو و سازنده ای را در سینمای ایران طی سالهای ۵۰ تا ۵۷ به وجود آوردند. بهرام بیضایی، عباس کیارستمی، خسرو سینایی، کامران شیردل، داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی، علی حاتمی، امیر نادری و ... از افرادی بودند که با بهانه های غیر مادی نقش اساسی در این جریان داشتند و مقدماتی را فراهم نمودند تا سینمای ایران گام های افتخار آفرینی را در سالهای بعد بر دارد.

بعد از انقلاب طی سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ بدلیل نبودن ضوابط تدوین شده فیلمسازی، سینمای ایران تقریباً در وضعیتی نابسامانی بسر می برد. پس از سال ۱۳۶۲ با تدوین ضوابط فیلمسازی که با توجه به شرایط پس از انقلاب تنظیم شده بود، عناصری چون خشونت و سکس را اجباراً از سینمای ایران خارج ساخت و از طرف دیگر به دلیل مصادره بسیاری از سینماها و شرکت های تولید فیلم و اعمال نظارت دولتی بر آنها به طور غیر مستقیم نقش عامل سودآوری در سینما کمرنگ تر شد. این عوامل همراه با تکامل کیفی فیلمسازان دهه پنجاه چون کیارستمی، بیضایی، مهرجویی و ... تاثیر مثبتی بر روند فیلمسازی در ایران گذاشت که با توجه به محدودیت ها، محصولات بدیعی را آفریدند و تحسین منتقدان جهانی را به همراه داشت. در این دوره فیلمسازان جوانی چون محسن مخملباف، ابراهیم حاتمی کیا، جعفر پناهی، مجید مجیدی و ابوالفضل جلیلی که با تمایلات مختلف پا به عرصه فیلمسازی گذاشتند و به مرور با مطالعه و پشتکار توانستند به صورتی هنرمندانه عناصر این هنر را بکار بگیرند، نقش مؤثری در این تحول ایفا نمودند.

همچنین برقراری منظم سالانه دست کم یک جشنواره بین المللی فیلم که در بهمن ماه هر سال به نام جشنواره فیلم فجر در کشور برگزار میگردد نیز در ایجاد علاقه به سینما در قشر جوان کشور از یکسو و توسعه این هنر نقش مهمی ایفا نموده است.

نقطهٔ اوج موفقیت‌های بین‌المللی سینمای ایران در این دوره را باید اهدای جایزه نخل طلایی جشنواره بین‌المللی کن فرانسه در سال ۱۹۹۷ به عباس کیارستمی برای فیلم *طعم گیلان* (این جایزه بصورت مشترک به عباس کیارستمی و یک فیلمساز ژاپنی تعلق گرفت) دانست. از دیگر موفقیت‌های بین‌المللی سینمای ایران طی این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

-- جایزه پلنگ طلایی جشنواره کوکارنو، سویس، ۱۹۹۷، به فیلم *"آینه"* ساخته جعفر پناهی.

-- جایزه بزرگ بهترین فیلم در جشنواره فیلم سه قاره نانت، فرانسه، ۱۹۹۶ به فیلم *"یک داستان واقعی"* کار ابوالفضل جلیلی.

-- جایزه دوربین طلایی جشنواره کن، فرانسه، ۱۹۹۵، به فیلم *"بادکنک سفید"* اثر جعفر پناهی.

-- جایزه روبرتو روسیلینی در جشنواره کن، فرانسه، ۱۹۹۲، به عباس کیارستمی به خاطر مجموعه آثارش. جایزه فرانسوا تروفو در جشنواره فیلم جیفونی، ایتالیا، ۱۹۹۲، به عباس کیارستمی به خاطر مجموعه آثارش.

-- جایزه بزرگ بهترین فیلم جشنواره سه قاره نانت، فرانسه، ۱۹۸۹، به فیلم *"آب، باد، خاک"* ساخته امیر نادری.

-- جایزه بزرگ بهترین فیلم جشنواره سه قاره نانت، فرانسه، ۱۹۸۵، به فیلم *"دونده"* اثر امیر نادری.

از دیگر تحولات کمتر سابقه دار در سینمای ایران طی سال‌های بعد از انقلاب حضور جدی تر فیلمسازان زن مانند رخشان بنی‌اعتماد، تهمینه میلانی و ... است.